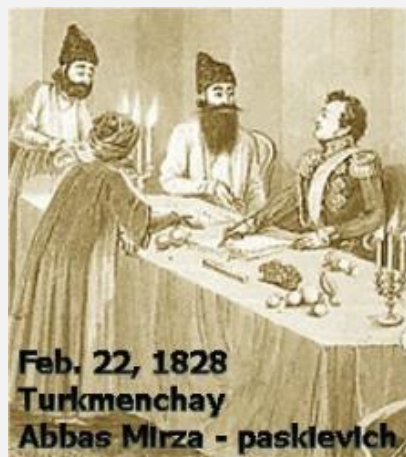


روزی که قرارداد ترکمنچای امضاء شد

عباس میرزا و ژنرال پاسکویچ امضاءکنندگان قرارداد ترکمنچای - یک نمونه از توپهایی که در جنگ دوم روسیه و ایران بکار رفت .



عباس میرزا و ژنرال پاسکویچ امضاءکنندگان قرارداد ترکمنچای - یک نمونه از توپهایی که در جنگ دوم روسیه و ایران بکار رفت .

پس از افتادن دژ لنکران به دست روسها در یکم ژانویه 1828 و پیش از آن شکست نیروهای ایران در 31 اکتبر 1927 در اصلاندوز Aslanduz و بازهم به ترغیب و دسیسه دولتمردان لندن، دولت تهران پیشنهاد گفت و گو برای ترک جنگ را پذیرفت. مذاکرات چند روز طول کشید، متن قرارداد 21 فوریه 1828 (دوم اسفند) آماده شد و در جلسه 22 فوریه (سوم اسفند) که در روستای ترکمنچای برگزار شده بود به امضای عباس میرزا فرمانده نیروهای نظامی ایران (ولیعهد وقت فتحعلی شاه) و ژنرال ایوان پاسکویچ Ivan Paskievich فرمانده نظامی روس رسید که مورخان با تفسیر متن، آن را ننگین ترین قراردادی توصیف کرده اند که ایرانیان در طول تاریخ حیات وطن خود امضا کرده اند. بر پایه این قرارداد، نه تنها وطن ما قسمتهای دیگری از قلمرو خود (بخشهای اصلی) را از دست داد و رود ارس Aras River مرز ایران و روسیه تعیین شد بلکه تعهداتی را برعهده گرفت که قبول آن از جانب یک دولت مستقل و حاکم بعید و خلاف منطق بنظر می آید.

طبق این قرارداد، نخجوان و ایروان [ارمنستان] را هم از ایران جدا کردند. ارتش ایران با همه ضعف آموزش و تجهیزات از ایروان جانانه دفاع کرده بود. مناطق دیگری که بموجب این قرارداد از پیکر ایران جدا شد عبارتند از: اردوباد Ordubad، بخش های دیگری از مغان و لنکران - طالش. این قرارداد حقوق دریانوردی ایران در دریای مازندران را محدود کرد. دولت تهران پذیرفت که به روسیه حق کاپیتولاسیون بدهد و دولت روسیه مجاز باشد که در هر نقطه از ایران که بخواهد کنسولگری دایر و قراردادهای بازرگانی دوجانبه را به اراده و خواست خود تنظیم کند. دولت ایران از بابت جنگ از روسیه رسماً پوزش بخواهد و ده کرور طلا [هر کرور 500 سکه] غرامت جنگ بدهد. دولت روسیه در این قرارداد تنها متعهد شد که از شاه شدن عباس میرزا پس از مرگ پدرش حمایت کند [که عباس میرزا 25 اکتبر 1833 و پیش از مردن پدرش - فتحعلی شاه درگذشت و به شاهی نرسید].

جنگ دوم ایران و روسیه که اندکی بیش از دو سال [از 1825 تا اوایل سال 1828] طول کشیده بود نتیجه مستقیم جنگ یکم ایران و روسیه برسر قفقاز بود که هفت سال و از 1804 تا 1813 ادامه داشت.

جنگ یکم در پی لشکرکشی روسیه به تفلیس (گرجستان) و استقرار در آن منطقه که گوشه ای از قلمرو ایران در قفقاز بود روی داده بود. دولت تهران با اتکاء بر اتحاد خود با ناپلئون بناپارت [که ناپلئون در سال 1807 در تیلسیت Tilsit با تزار آشتی کرد و از آن پس تعهد خود در قبال ایران را نادیده گرفت!] و اینکه ارتش ایران از لحاظ نفر پنج برابر نیروهای اعزامی روسیه به قفقاز است وارد جنگ شده بود. الکساندر یکم تزار وقت روسیه در آغاز سلطنت خود اعلام کرده بود که تصمیم قاطع به توسعه روسیه [به انجام رسانیدن آرزوهای پتر بزرگ] و تصرف سراسر قفقاز را دارد که هشداری به دولت تهران بود و عامل نگرانی دولت لندن که بیم داشت، روس ها از طریق ایران [که افغانستان بخشی از آن بود] و خلیج فارس به هندوستان رخنه کنند. تعرض به ایران در دو ستون توسط دو ژنرال روس آغاز شده بود؛ ژنرال پاول دمتریوویچ سیسیانوف Pavel Dmitryevich Tsitsianov حملات نظامی به باکو و ژنرال ایوان گودویچ Ivan Gudvich به ارمنستان را فرماندهی می کردند.

سیسیانوف بیستم فوریه 1806 و در 50 سالگی در جریان معارضه با ایران در باکو کشته شد و در آخرین سال نبرد، ژنرال پیوتر کوتلیارفسکی Pyotr Kotlyarevsky برنده بود. دولت لندن که از پیشروی روسها در قلمرو ایران نگران شده بود دست به میانجیگری زد و روسها که با تعرض ارتش ناپلئون رو به رو بودند و نیاز به دوستی با انگلستان [دشمن شماره یک ناپلئون] داشتند با این میانجیگری و مذاکره برای ترک مخاصمه موافقت کردند مخصوصاً که میانجیگری بر عهده سر گور اوزلی Sir Gore Ouseley - دیپلمات انگلیسی آشنا با تزار روس واگذار شده بود. متن قرارداد که با انشاء «اوزلی؛« تنظیم شده بود 24 اکتبر 1813 در دهکده گلستان امضاء شد و برپایه آن؛ گرجستان، مناطق ساحل دریای سیاه واقع در غرب گرجستان ازجمله آبخیزستان [آبخازیا = آبخازیه]، ایمرتیا Imeretia، مگرلیا Megrelia (اودیشی) و گوریا Guria، همه داغستان (قفقاز شمالی) و ازجمله شهر دربند (دربنت)، و

نیز باکو، گنجه، شیروان، شکین (شکی Shakki)، قره باغ، لنکران و ... از ایران جدا شدند. از زمان تاسیس کشور ایران تا آن روز، قفقاز و بویژه جنوبی (اران) گوشه ای از خاک اصلی ایران بود و به شهادت تاریخ، ایرانیان برای محافظت این منطقه دائما و با تمامی امکانات با رومیان و اقوام مهاجر آسیای شمال شرقی جنگیده بودند. میرزا ابوالحسن خان ایلچی از جانب ایران و نیکلای رتیسچف Rtischev از سوی روسیه قرارداد گلستان را امضاء کردند.

دو جنگ روسیه و ایران، ضعف نظامی — اداری، ناآگاهی رجال وقت و مدیران کشور از دیپلماسی اروپایی، بی خبری از تحولات جهان و رویدادهای روز و ناتوان بودن از تحلیل آنها و نیز ضعف روانشناسی، بی خیالی و خودخواهی و داشتن مشغله وقتگیر و فرصت سوز از جمله بسربردن در حرمسراها و دشمنی کردن و رقابت شخصی با یکدیگر را آشکار ساخت و تهران را به میدان رقابت اروپائیان مبدل کرد.

همه تلاش انگلستان این بود که روسها در ایران نفودی بیش از خودشان به دست نیاورند و افغانستان کاملا از ایران جدا شود و حائل میان متصرفات دو قدرت (انگلستان و روسیه) در آسیا باشد.

مورخان، قراردادهای گلستان و ترکمن چای و قرارداد تخلیه هرات را نتیجه سوء حکومت 131 ساله قاجاریه بر ایران بشمار آورده اند که [برغم دفاع مردانه بوشهری — کازرونی ها در برابر تعرض انگلیسی ها — در جریان جنگ انگلستان با ایران بر سر هرات] ناسیونالیسم ایرانی را دست کم گرفته بودند و روی آن حساب نمی کردند. تاجیکها و ازجمله هراتی ها پس از سقوط دولت ساسانیان به خود عنوان پارسیان (پارسی وان) داده و به پاسداری از زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی پرداخته بودند.

باید دانست که دهم فوریه 2008 بی بی سی از قول هارون نجفی زاده از مزار شریف گزارشی مفصل تحت عنوان «مجازات برای بکارگیری زبان فارسی (در برخی نقاط افغانستان)« منتشر کرده بود که نشان می داد مقامات دولت کابل چند خبرنگار و مسئول خبر در منطقه بلخ که واژه های پارسی دانشگاه، دانشکده و دانشجو را بکار برده بودند توبیخ کرده اند که عملی تاسف آور است.

به اظهار برخی اصحاب نظر، رویدادها و تحولات قرن 20 به ویژه انحلال امپراتوری روسیه (یک طرف قرارداد با ایران) و بعدا فروپاشی اتحاد شوروی [جانشین آن] و نیز وضعیت افغانستان فرصت به دست تهران داده است که اگر بخواهد قراردادهای گلستان، ترکمنچای، هرات و ... را که طبق عرف تاریخ، تحمیلات نظامی بشمار می روند و قابل اعراض و اعتراض هستند — دست کم روی کاغذ — ابطال و کان لم یکن اعلام کند، همچنانکه پس از پیروزی انقلاب، قرارداد سال 1921 روسیه شوروی با ایران را به طور یکجانبه لغو کرد!

دوازدهم فوریه 2004، ولادیمیر پوتین مرد نیرومند روسیه انحلال اتحاد شوروی در دسامبر 1991 را یک مصیبت اعلام کرد و گفت که ایجاد امپراتوری روسیه نتیجه تلاش و از جان گذشتگی روسها در طول قرنها بود. این بیان صریح بسیاری از حسابها را به هم ریخت و به نظر تحلیلگران غرب، رشته ای است که سر دراز خواهد داشت مخصوصا که چند سال پیش از این بیان، مجلس ملی روسیه (دوما) با تصویب یک قطعنامه، انحلال شوروی [در حقیقت امپراتوری روسیه] را عملی غیرقانونی و نامشروع اعلام کرده بود زیرا که برای تحقق آن یک فرماندم سراسری انجام نشده بود و 13 فوریه 2011 بورودافکین Alexei Borodafkin معاون وزارت امور خارجه روسیه ضمن اشاره به مسائل جاری منطقه — از اوضاع افغانستان تا بی ثباتی در قفقاز و نیز استفاده از منابع و امکانات دریای مازندران و ... گفت که برای حل این مسائل، روسیه نیاز به همکاری ایران دارد.